

حمزه بن عبدالمطلب در نگاه بلاذری با تکیه بر کتاب انساب الاشراف

آسیه آخوندقرقی^۱

چکیده

حمزه عمومی پیامبر (صلی الله علیه وآله)، بعد از حضرت ابوطالب از بزرگترین حامیان ایشان بوده؛ در منابع کهن تاریخی، نقش حمزه را مؤثر در دوره‌ی بعثت یاد کرده‌اند. بامطالعه و بررسی منابع تاریخی می‌توان به جایگاه افراد و اشخاص در نزد نویسندگان و یا میزان اثرپذیری از شرایط جامعه و حکومت را کشف کرد. در این نوشتار سعی می‌شود به رویکرد بلاذری نسبت به گزارش‌های مربوط به حمزه پرداخته شود. کتاب انساب الاشراف از جمله کتب ارزشمند سده سوم هجری می‌باشد؛ علی‌رغم نامش تنها نسب نامه نیست بلکه نسب‌شناسی در برابر اطلاعات گران‌بهای تاریخی آن، حجم اندکی را شامل می‌شود. در بخش نسب بنی‌هاشم به شخصیت حمزه پرداخته است. تلاش این نوشتار بر این است که شخصیت حمزه را از دیدگاه بلاذری با تکیه بر انساب الاشراف در دو بخش مکه (اسلام آوردن، فضایل) و مدینه (بدر، احد، شهادت و...) بررسی کند. روش تحقیق توصیفی - تحلیلی با رویکرد تاریخی می‌باشد. دستاورد تحقیق بررسی دیدگاه راویان در صدر اسلام و همچنین موضع نویسندگان باوجود شرایط و بستر زمانی آن دوران، نسبت به شخصیت حمزه در چه خواهد بود.

واژگان کلیدی

حمزه (علیه‌السلام)، بدر، احد، بلاذری، انساب الاشراف.

^۱ مدرس جامعه المصطفی (ص) العالمیه، بنت‌الهدی

مقدمه

پیامبر (ص) در سال‌های آغازین دعوت به دین اسلام از جانب مشرکان و قریش مورد اذیت و آزار قرار می‌گرفت حتی تازه‌مسلمانان نیز از این اذیت و آزارها مستثنی نبودند. در این میان حمایت‌های افرادی نظیر حمزه که به شجاعت معروف بود بسیار در روند پیشروی دین اسلام تأثیرگذار بود. نقل چگونگی بیان این گزارش‌ها در منابع تاریخی بستر شناسی عصر و دوره نویسنده را مشخص می‌کند. در این میان یکی از کتب مهم که به نقل برخی هم‌ردیف و یا نزدیک به تاریخ طبری بیان شده؛ کتاب انساب الاشراف است. با اینکه بلاذری فردی سنی مذهب است اما نسبت به دیگران با انصاف بیشتری به نقل گزارش‌های تاریخی پرداخته است که این منصف بودن باعث شده که برخی وی را به شیعه بودن متهم کنند. بلاذری در کنار نسب‌شناسی گزارش‌های زیادی را نقل کرده در برخی موارد اسم راوی را نقل کرده اما بیشتر اوقات با بیان «قالوا» گزارش را بیان کرده که این را در مقام مقایسه با کتاب تاریخ طبری نقص دانسته شده است. بلاذری در باب حمزه به‌عنوان فرزندان عبدالمطلب، در باب مستقلی در جلد چهارم کتاب به شخصیت حمزه س پرداخته است؛ اما علاوه بر آن در لابه‌لای مطالب در مجلدات کتاب؛ در مجلدات یک، دو، سه، پنج، شش، هفت، نه، ده، دوازده و سیزده، بیش از ۶۰ بار به فراخور بحث به ایشان پرداخته است.

این نکته که مورخی مثل بلاذری با توجه به نگاه منصفانه‌تر نسبت به سایر مورخین رویکرد و دیدگاه وی نسبت به این شخصیت چیست؟ با توجه به شرایط حاکم بر جامعه آن روز می‌توان تصور کرد که خط فکری درباره شخصیتی مثل جناب حمزه که از شجاعت بالایی برخوردار بوده و به سبب دشمنی‌هایی که وجود داشته چه قضاوت‌هایی صورت گرفته است. با بررسی دقیق در منابع دست‌مقدم نظیر این کتاب و به دست آوردن خط فکری و دیدگاه این نویسنده و مقایسه با منابع دیگر می‌توان به اطلاعات و مطالب جدیدتری دست یافت.

درباره مؤلف

بلاذری، ابوالحسن ابوجعفر (ابن ندیم، ۱۸۶؛ ذهبی، ۱۳، ۱۶۳) و همچنین ابوبکر (ذهبی، ۱۳، ۱۶۲) احمدبن یحیی بن جابر بن داوود، (در آثارش، خود را تنها «احمدبن یحیی بن جابر» بدون شهرت بلاذری می‌خواند). (دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ۱۲، ۴۳۲) کاتب، ادیب، راوی و از برجسته‌ترین تاریخ‌نگاران اسلامی در سده سوم می‌باشد. البته نویسنده الوافی، ویژگی‌های دیگری

از جمله عالم، فاضل، نساب را ه برشمرده است. (الصفدی، ۸، ۱۵۶) القابی چون راویه الثقه، المحدث الثبت، الادیب المتفنن، الشاعر المجید نیز برایش عنوان شده است. (البلاذری، ۱۴۱۲، ۶) تاریخ درستی از تولد و مرگ او در دسترس نیست (دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ۱۲، ۴۳۳) و زندگی نامه نویسان هم دوره اش نیز شرح احوال روشنی از او به دست نداده اند. در مقدمه کتاب انساب الاشراف تاریخ ولادت وی را بین سال های (۱۷۰ تا ۱۸۰) هجری ذکر شده است. وی را مداح مأمون و غیره می دانند. (ذهبی، ۱۳، ۱۶۳) از ندماء متوکل بوده و مرگش را در ایام معتمد (صفدی، ۸، ۱۵۵) و حتی اوایل خلافت معتضد را نیز درک کرد؛ (حموی، ۲، ۵۳۰؛ الصفدی، ۸، ۱۵۵) در اواخر عمر اختلال حواس پیدا کرد، وی را در بیمارستان بستری شده و در همان جا از دنیا رفت؛ سبب بیماری اش خوردن تمر بلاذر از روی نادانی بوده که دچار این پیش آمد گردید (ابن ندیم، ۱۸۶) و نیز چنین نقل شده که در آخر عمر وسوسه شد برای تقویت حافظه بلاذر را بنوشد که به خاطر آن در بیمارستان بستری و از دنیا رفت. (ذهبی، ۱۳، ۱۶۳) البته یاقوت حموی در اینکه خودش یا جدش حب را خورده تردید دارد. (حموی، ۲، ۵۳۱)

احتمال ولادت وی در بغداد زیاد است. (دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ۱۲، ۴۳۰) دوران زندگی خود را در عراق گذرانده، از مجالس درس بزرگانی چون محمد بن سعد کاتب واقدی در عراق به شهرهای انطاکیه، حمص، شام، حلب، سفر کرده است و از محضر اساتید این شهرها نیز بهره جسته است. برایش کتاب هایی برشمرده اند از جمله: البلدان الصغیر، البلدان الکبیر که به اتمام نرسید؛ و نیز کتاب «جمل انساب الاشراف» که به آن معروف و مشهور شد؛ و کتاب «فتوح البلدان» که بخش مهمی از کتاب درباره فتوحات اعراب مسلمان به ایران است. همچنین کتاب «عهد اردشیر» که ترجمه کتاب از فارسی به عربی بود. (همان، ۱۵۷)

کتاب انساب الاشراف نیز مانند فتوح البلدان (ابن ندیم، ۱۸۶) بدون مقدمه یا پیش گفتار آغاز می شود؛ شاید به همین دلیل است که این کتاب بانام های مختلف آمده است. به هر روی این کتاب، بزرگ ترین اثر تاریخی بجای مانده از سده ۳ قمری که دارای اطلاعات گران بهای تاریخی است. نام کتاب «الانساب الاشراف» به گونه های مختلفی در مآخذ است؛ و شاید مهم ترین دلیل آن، تلفیق میان اخبار و انساب در این اثر باشد. نویسندگان متاخر، کتاب بلاذری را تنها یک اثر مبتنی بر نسب نگاری صرف نمی دانستند و سردرگمی پاره ای از موافقان در ذکر نام بلاذری نشانی از این موضوع دارد.

مسعودی از کتاب وی بانام تاریخ یاد کرده و همچنین ذهبی ضمن شرح حال بلاذری او را

صاحب «التاریخ الکبیر» خوانده است؛ اما در نسخه‌ای که اینک از الفهرست ابن ندیم در دست است از این اثر بلاذری با نام «الاکبار و الانساب» نام برده است. (ابن ندیم، ۱۸۶) بلاذری در نوشتن انساب، از منابع ارزشمندی سود جسته است. کتاب هشام بن کلیبی یکی از مراجع اصلی او بوده، ولی مهم‌ترین مأخذ او تاریخ الاشراف هیثم بن عدی است که اکنون در دست نیست. استفاده بلاذری از این دو نویسنده، به ترتیب زمانی، در قسمت‌های مختلف آشکار است. در آثار نویسندگانی چون معجم الشعراء مرزبانی، العیون و الحدائق، الشافی، تاریخ دمشق ابن عساکر، مناقب ابن شهر آشوب، معجم الأدباء و معجم البلدان یاقوت حموی، وفيات الأعیان ابن خلکان، الكامل فی التاریخ ابن اثیر، نهاییه الأرب نویری، الأصابه ابن حجر عسقلانی، عقد الجمان فی تاریخ اهل الزمان عینی، النجوم الزاهره ابن تغردی بردی، الوافی بالوفیات صفدی و تاج العروس زبیدی از انساب الاشراف نقل قول کرده‌اند. (دانشنامه جهان اسلام، ۳، ۷۰۲)

انساب الاشراف یا جمل من انساب الاشراف، عنوان اثری در تاریخ سده اسلام و انساب عرب تألیف احمد بن یحیی بلاذری در نیمه دوم قرن سوم هجری به زبان عربی نوشته شده است که بزرگ‌ترین اثر تاریخی به‌جا مانده در سده سوم قمری دانست. موضوع نسب‌شناسی در برابر اطلاعات گران‌بهای تاریخی آن، حجم اندکی را شامل می‌شود. در واقع این اثر یک دوره تاریخ سده اول هجری بر مبنای انساب عرب است و می‌توان گفت که چنین شیوه‌ای در تاریخ‌نگاری مسلمانان در سده اول هجری بر مبنای انساب عرب؛ و در واقع چنین شیوه‌ای در تاریخ‌نگاری مسلمانان در سده سوم قرن هجری، به‌گونه‌ای که بلاذری در این اثر پیش گرفته تکرار نشده است.

مؤلف پس از بیان نسب نوح و فرزندان او بلافاصله به ذکر انساب عرب پرداخته و از آنجاکه نسب پیامبر (ص) از عدنان آغاز می‌شود، یک‌یک نیاکان آن حضرت را نام می‌برد. جلد اول این کتاب سیره نبوی می‌باشد. در حدود یک‌سوم کتاب به خاندان بنی هاشم پرداخته و حجم بسیار کمی به خاندان بنی عباس و البته حدود چهل در صد به خاندان بنی امیه اختصاص دارد. از جمله بخش‌هایی که ذیل احوال خلفا از آن زیاد یاد شده در مورد خوارج می‌باشد. همچنین در این کتاب ذیل نسب ابوطالب، درباره امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) و فرزندان آن حضرت، امام حسن ع و امام حسین ع به تفصیل بحث شده که با توجه به قدمت و اعتبار کتاب، شرح حال این سه امام در آن قابل توجه و مغتنم است. با این حال کتاب حاضر از توجه لازم مورخان شیعه بلکه عموم تاریخ‌نویسان مغفول مانده است. (رفعت و رحمان ستایش، ۱۳۹۶)

در کتاب انساب الاشراف جلد چهارم از صفحه ۳۸۱ به بعد در حدود ۱۳ صفحه از مطالب کتاب را به بحث حمزه ع پرداخته در ابتدا بعد از معرفی وی و معرفی فرزندان وی درباره وی مطالبی را بیان می‌کند؛ که در مجال به این مبحث پرداخته می‌شود.

الف: حمزه (علیه السلام) در مکه

حمزه فرزند عبدالمطلب فرزند هاشم، عموی پیامبر (ص) و علی (ع) می‌باشد. حمزه و صفیه هردو از یک مادر هستند به نام هاله بنت وهیب بن عبد مناف. کنیه حمزه ابویعلی است و حدود چهار سال از رسول خدا بزرگ‌تر است. نویسنده انساب در بخش حمزه ابتدا به نام و کنیه ایشان پرداخته؛ حمزه بن عبدالمطلب، کنیه‌اش ابایعلی و اباعماره می‌باشد همچنین او را اسدالله و اسد رسولش می‌خوانند. روایتی از رسول خدا ص نقل می‌کند قال: «والذی نفسی بیده انه المکتوب فی السماء اسدالله و اسدرسوله» (بلاذری، ۴، ۳۸۱) این روایت را در بیان کنیه ایشان می‌آورد و بعد از آن به فرزندان حمزه می‌پردازد.

۱. اسلام حمزه

یکی از ویژگی‌هایی که نویسنده برای حمزه نقل می‌کند اظهار اسلام ایشان می‌باشد؛ در آن دوران و شرایط خفقان مکه، نشان از شجاعت وی دارد؛ اینکه در این شرایط سخت از بهترین حامیان پیامبر (ص) بود؛ اما در مورد نحوه اسلام آوردن ایشان این‌گونه نقل کرده؛ طبق نقل بلاذری دلیل اسلام آوردن حمزه را به خاطر حمایت از برادرزاده‌اش پیامبر (ص) نقل می‌کند. در ماجرای اسلام آوردن حمزه دو گزارش را نقل کرده؛ در گزارش دوم روایت مفصل‌تری را از واقده نقل می‌کند. در گزارش اول نام راوی نقل نشده و برای اسلام آوردن ایشان نویسنده گزارشی را نقل کرده به این مضمون که «قالوا» اسلام حمزه منتسب شده بود به اینکه ابوجهل بن هشام پیامبر (ص) را مورد اذیت و آزار قرار داده و شتمات و دشنام داد. در این گزارش اسلام حمزه را فقط به خاطر حمایت از پیامبر (ص) و درواقع همان تعصب قبیلگی و یا مثل پیمان حلف الفضول که به یاری مظلومان می‌شتافتند نسبت می‌دهد. چون پیامبر (ص) اذیت می‌شد در برابر سرزنش‌ها و شتمات‌های آن‌ها پس حمزه اسلام آورد.

اما در گزارش دوم که از واقده نقل می‌کند به این مضمون است ابوجهل و ابن حمراء، روزی رسول خدا را اذیت کردند که حمزه سر رسید و داخل مسجد شد درحالی که غضبناک بود با کمان ضربه‌ای محکم به سرش زد و سپس اسلام آورد و بعد از اسلام حمزه رسول خدا عزت پیدا کرد

و در ادامه گزارش هست که رسول خدا وارد منزل ارقم شده و در آن خانه تجدید بیعت می‌کند با حمزه و با خواهر حمزه (صفیه) بنت عبدالمطلب. در انتهای گزارش نقل می‌کند که اسلام صفیه از قبل بوده و در خانه ارقم تجدید بیعت شده و در ادامه نسبت مقایسه سن حمزه و رسول خدا هست که عنوان می‌کند که سن جناب حمزه را چهار سال بزرگ‌تر از رسول خدا می‌داند.

۲. فضایل حمزه

بعد از بیان ماجرای اسلام آوردن حمزه، در ادامه چند روایت در باب فضیلت حمزه نقل می‌کند که در گزارش اول از عباس بن هشام کلبی از پدرش از جدش از ابی صالح از رسول خدا که این چنین نقل می‌کند: پیامبر (ص) از خداوند در مورد کمک و همکاری دو تن از عموهاییم درخواست کردم؛ در روایت نقل کرده پس حمزه و عباس کمک کردند. (همان، ۴، ۳۸۳) در مورد این گزارش به نظر می‌رسد که عباسیان برای بالا بردن مقام عباس بن عبدالمطلب اسم ابوطالب را حذف کرده و به جای آن عباس را گذاشته‌اند؛ زیرا طبق گزارش‌های تاریخی عباس تا مدت‌ها اسلام اختیار نکرد و حتی در جنگ بدر در مقابل سپاه مسلمانان ایستاد و اسیر شد. گزارش دیگر از پیامبر (ص) نقل می‌کند که پیامبر (ص) فرمودند که خداوند ایشان را اکرام کرد به اسلام آوردن بهترین و برگزیدگان اهل بیت پیامبر (علیهم‌السلام) که در ادامه روایت هست که سمت راست پیامبر (ص) حمزه سیدالشهدا و در طرف شمال ایشان جعفر بود.

ب: حمزه در مدینه

پیامبر (ص) تا زمانی که در مکه بودند ایشان و پیروانش مورد شکنجه و اذیت و آزار قریش قرار می‌گرفتند. زمانی که قریش در دارالندوه تصمیم به قتل پیامبر (ص) گرفتند پیامبر (ص) شبانه از مکه به سمت مدینه هجرت کرده؛ و پایگاه مسلمانان در مدینه تشکیل شد. حمزه هم به مدینه هجرت کرده و در رکاب پیامبر (ص) بود.

۱. روز بدر

یکی از اقدامات پیامبر (ص) در همان ابتدای ورود به مدینه برقراری پیمان عقد اخوت در بین مهاجرین و انصار بود. در این میان حمزه با زید بن حارثه فرزندخوانده پیامبر (ص) عقد اخوت بسته شد که گزارش آن را نویسنده نقل می‌کند که این گزارش را از واقدی نقل می‌کند. در این گزارش واقدی نقل می‌کند: زمانی که حمزه با رسول خدا به مدینه هجرت کرد پیامبر (ص) بین

حمزه و زید بن حارثه پیمان برادری خواند و بنابراین در روز احد، هنگام قتال حمزه به زید وصیت می کرد.

یکی از اقدامات در جنگها همراه داشتن علم و پرچم توسط افراد شجاع و نیرومند بود به گونه ای که در جنگها تا زمانی که علم و پرچم پابرجا باشد، نشانه پابرجا بودن سپاه است؛ بنابراین در جنگها از افراد شجاع و توانمند برای این سمت انتخاب می شد؛ در ادامه گزارش بلاذری در مورد عقد اخوت حمزه و زید به بحث علمداری حمزه می پردازد و چنین نقل می کند که اولین پرچم و لوا که پیامبر (ص) گره زده و بست برای حمزه بود؛ در روز بدر حمزه پر شتر مرغ را همراه خود داشت. در ادامه گزارش به نبرد در بدر اشاره می کند، در این نبرد است که حمزه خود را اسدالله و اسد رسول می نامد. در این نبرد حمزه با عتبه نبرد می کند و وی را به هلاکت می رساند و علی با ولید بن عتبه که او را به هلاکت می رساند؛ و همچنین مبارزه عبیده بن الحارث بن عبدالمطلب با شیبیه بن ربیع را نقل کرده که در این نبرد ضربه ای به عبیده می زند که حمزه و علی به کمکش می شتابند.

نویسنده در ادامه گزارشی را نقل می کند از محمد بن اسحاق که حمزه در روز بدر اسود بن عبد اسود مخزومی و طعیمه بن عدی النوفلی را به امر پیامبر کشت. در ادامه گزارش دیگری را از علی بن محمد مدائنی نقل می کند که جای تأمل دارد. علی بن محمد مدائنی از شیوخ نقل می کند حمزه روز بدر بعد از انصراف از نبرد شروع به رجزخوانی کرده و مشغول به شراب خوردن و آواز و غنا شده و اشعاری را می خواند. در همان گزارش هست که شراب خوردن حمزه قبل از تحریم شراب در اسلام بود. نکته ای که اینجا مطرح می شود این است که متأسفانه امویان به شدت سعی در تخریب حمزه دارند زیرا هند همسر ابوسفیان جنازه حمزه را مثله کرده و سینه او را شکافته و جگرش را بیرون می کشد بنی امیه برای اینکه توجیه کنند کار هند را این گونه توجیه می کنند که حمزه خیلی شخصیت مثبتی نداشته است.

اما در ادامه این مطلب به ماجرای نحر کردن کوهان شتران توسط حمزه، درحالی که مست بوده و متوجه کارش نیست و اینکه علی شکایت به پیامبر (ص) می برد و حمزه این کار را انکار می کند.

۲. علمدار بودن حمزه

قبل از این اشاره شد به اهمیت علم و علمداری در جنگها و پیکارها، زیرا تا علم در دست

علمدار باشد و به زمین نیفتد نشان ز پیروزی و سر پا بودن سپاه را دارد؛ بنابراین در جنگ‌ها افراد شجاع را به عنوان علمدار انتخاب می‌کردند؛ اما در ادامه بحث نویسنده گزارشی را نقل می‌کند به این مضمون که در روز غزوه بنی قینقاع حمزه علمدار پیامبر (ص) بود که پرچم پیامبر (ص) در این روز سفید بود.

حدیث عبدالله بن ابی امیه از ابراهیم بن سعد از پدرش که چنین نقل می‌کند: امیه بن خلف الجمحی از عبدالرحمن بن عوف در روز بدر پرسید کسی که پر شتر مرغ را به علم خود بسته چه کسی هست؟ در پاسخ شنید که حمزه عموی رسول خدا و در ادامه از مبارزه حمزه در آن روز نقل می‌کند.

۳. غزوه احد و شهادت حمزه

حضرت حمزه یاور و حامی رسول خداوند در سخت‌ترین شرایط وی را همراهی کرد ولی متأسفانه در جنگ احد توسط وحشی به شهادت رسید که در ادامه بر اساس کتاب انساب الاشراف گزارش‌های بیان می‌شود. حمزه در روز احد بعد از سی و دو ماه از هجرت رسول خدا شهید می‌شود. ایشان مردی چهارشانه که نه بلند بود و نه کوتاه؛

وحشی بن حرب الاسود غلام جبیر بن مطعم که برایش ضمانت کرد در صورت کشتن پیامبر (ص) یا علی یا حمزه وی را آزاد خواهد کرد. در روایت دیگر نقل شده که وحشی غلام دختر حارث بن عامر بن نوفل بن عبد مناف بوده و پدر دختر حارث، صاحب وحشی از کشته‌شده‌های روز بدر بود. شرط کردند برای وحشی که در صورت کشتن یکی از سه فرد مورد نظر آزاد خواهد شد؛ اما در ادامه نویسنده نقل می‌کند که هند دختر عتبه مادر معاویه و همسر ابوسفیان به وحشی گفت: در صورت کشتن حمزه و یا علی حکم آزادی را برایش می‌دهد. بعد از کشته شدن حمزه به وی اعطاهای زیادی داشت. در روایت و گزارش آمده که وحشی با پرتاب نیزه به کمر وی که از پاهای وی خارج شده و به همین سبب کشته شد. سپس سینه حمزه را شکافت و جگرش را از بدنش خارج کرد و برای هند آورد که هند جگر را در دهان گذاشت. بعد از این به سراغ حمزه رفته و وی را مثله کردند.

بعد از جنگ پیامبر (ص) سراغ عمویش را می‌گیرد که در گزارش بلاذری هم آمده که پیامبر (ص) به حارث بن الصمه الانصاری از عمویش حمزه سؤال کرد. حارث وی را مقتول یافت و اکراه کرد که به پیامبر (ص) خبر بدهد؛ بنابراین طبق این گزارش رسول خدا از علی خواست که

خبری از حمزه به وی بدهد ایشان نیز کراحت داشتند خبر شهادت حمزه را به رسول خدا بدهند. در ادامه رسول خداوند بعد از سؤال از سهل بن حنیف از عمار بن یاسر درخواست کرد که خبری برایش از حمزه بیاورد و حمزه خبر داد به این مصیبت که چشمان پیامبر (ص) گریان شد و رسول خدا در ادامه گفت هیچ مصیبتی مثل این نیست و نزد خداوند محاسبه می‌شود. این آیه نازل شد «وَإِنْ عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ مَا عُوقِبْتُمْ بِهِ وَلَئِنْ صَبَرْتُمْ لَهُوَ خَيْرٌ لِلصَّابِرِينَ» (نحل، ۱۲۶) و اگر عقوبت می‌کنید، چنان عقوبت کنید که شما را بدان عقوبت کردند و البته اگر صبر و شکیبایی کنید قطعاً صبر برای صابران بهتر است.

در ادامه گزارش بعدی را از واقدهی روایت می‌کند در ورود صفیه خواهر حمزه که خبر از پیامبر (ص) و حمزه را گرفت و از علی حال رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) را جویا شد. حضرت پاسخ داد که صحیح و سلامت می‌باشد. سپس سؤال از حمزه کرد. حضرت چیزی از ماجرای حمزه برایش نگفت. در این هنگام رسول خدا به زبیر بن عوام پسرش امر کرد که مادرش را برگرداند. (بلاذری، ۴، ۳۸۷)

روایت دیگری از هشام بن عمار از ... انس بن مالک نقل کرده روز احد رسول خدا کنار حمزه آمد و بدن مثل شده وی را دید و این‌گونه خطاب کرد که اگر صفیه می‌یافت در خودش هرآینه ترک می‌کرد حمزه را تا اینکه بخورند پرندگان تا اینکه محشور شود از شکم‌هایشان. سپس پیامبر (ص) دعا کرد و کفن کرد بدن حمزه را و کفن کوتاه بود زمانی که کفن را بالا می‌کشید تا سر حمزه پوشیده شود پاهایش پیدا بود و زمانی که پاها را می‌پوشید سر پیدا بود.

رسول خدا حمزه را در بردی کوتاه کفن کرد زمانی که پایش را می‌پوشاند سرش بیرون بود و زمانی که سرش را می‌پوشاند پایش بیرون بود که به‌ناچار سرش را با کفن پوشاند و با گیاه پاهایش را پوشاند.

۴۷

در روایت دیگری نقل شده که جنازه‌ها زیاد و لباس کم بود. پس کفن کردند دو و یا سه مرد را در یک لباس واحد و همه را دی یک قبر واحد دفن کردند. در حدیث دیگر از اسحاق بن ابی اسرائیل که از زبیر نقل می‌کند زنی در آنجا بود که سعی می‌کرد به کشته‌ها نزدیک شود که متوجه می‌شود این زن مادرش صفیه است که دو لباس آورده بود برای حمزه و گفت که به من خبر رسیده که برادرم حمزه کشته شده؛ پس با این دو لباس او را کفن کنید. در ادامه نقل می‌کند که زمان کفن حمزه شرم کردند که حمزه دو لباس و جنازه کنار وی بدون لباس باشد. پس بنابراین یک لباس را برای حمزه استفاده کرده و لباس دیگر را برای آن انصاری بدون لباس

استفاده کردند.

۴. دفن حمزه سیدالشهدا

در ادامه برای مکان دفن حمزه نقل‌هایی را می‌آورد از جمله اینکه در گزارش است که حمزه و برادر زینب بنت جحش در یک قبر گذاشته و دفن کردند؛ اما در ادامه گزارش‌های از نماز میت بر جنازه‌های شهدای احد گزارش‌هایی را می‌آورد از جمله این که بر جنازه حمزه ۷۰ بار نماز گذارده شد یک‌بار پیامبر (ص) بر جنازه حمزه نماز خواند و بعد از آن جنازه حمزه را گذارده و جنازه شهدا را تک‌تک می‌آوردند و پیامبر (ص) بر آن شهید و حمزه نماز می‌گذارد؛ اما بعد از دفن شهدا نکته بعدی که به آن می‌پردازد این است که بعد از دفن شهدای احد و برگشت به مدینه، رسول خدا صدای گریه زنان برای کشته‌های احد را شنیدند و گفتند که برای حمزه گریه کننده‌ای نیست. پس سعد بن معاذ زنان را جمع کرده و از آنان خواست که ابتدا برای حمزه گریه کنند و پس زنان برای حمزه گریه کردند و رسول خدا شنید و در حقشان دعا کرد.

در ادامه گزارشی از عبدالله بن صالح می‌آورد که گفته حدیث شده از عبدالجبار بن الورد از ابی زبیر از جابر که نقل کرده زمانی که معاویه خواست در احد چشمه‌ای را جاری کند درخواست داد که آنجا را حفر کنند که مردم بر معاویه نوشتند که ما نمی‌توانیم بر قبور شهدا نهر جاری کنیم معاویه نامه نوشت که نبش قبر کنید و بدن‌ها را خارج کنید وقتی که این کار را کردند دیدند از زخم حمزه خون جاری شد. (همان، ۴، ۳۸۹) در ادامه در دو گزارش دیگر که از عبدالواحد بن قیاس نقل می‌کند که از زخم حمزه بعد از چهل سال خون جاری شد.

۵. وحشی قاتل حمزه

وحشی بعد از کشتن حمزه در احد حکم آزادی گرفته و در مکه ماند اما در زمان فتح مکه که پیامبر (ص) و مسلمانان به مکه می‌آیند اتفاقاتی دارد که در گزارش‌ها بیان می‌شود. گزارش از محمد بن سعد که گفت در روز فتح مکه پیامبر (ص) به کشتن وحشی قاتل حمزه امر کرده بود که او به طائف گریخت و پیوسته در طائف به سر برد تا اینکه رسول خدا به طائف رفت. وحشی در آنجا شهادتین را گفت در ادامه رسول خدا از وحشی سؤال کرد که حمزه را چگونه کشتی و وحشی به پیامبر (ص) نحوه کشتن حمزه را توضیح داد در آنجا رسول خدا فرمودند که از جلوی چشمم برو خداوند تو را بکشد. وحشی گفت: زمانی که اوضاع را این‌گونه دیدم توریه کردم. بعد از خروج مسیلمه کذاب همراه او شد و در جنگ با او شرکت کرد و مردی از انصار او را از پا در آورد.

(همان، ۲۸۱)

نتیجه گیری

با بررسی این کتاب می‌توان به این نتیجه رسید که نویسنده باینکه سنی مذهب است اما در نوشته‌های خود سعی کرده تا حد ممکن بی‌طرفانه نگارش کند و باینکه در سده‌های نخست اسلام و شرایط خفقان حکومت باز هم سعی بر جانب انصاف بوده و گزارش‌ها را بر اساس آنچه شنیده را نقل کرده و سانسور نوشتاری کمتر به چشم می‌خورد. همان‌طور که اشاره شد پرداختن به حادثه غدیر و یا ماجرای آتش زدن خانه حضرت زهرا و همچنین پرداختن به واقعه عاشورا و... یکی از این موارد است. البته در مواردی هم جانب انصاف رعایت نشده که می‌توان ناشی از نقل گزارش‌های بر اساس شنیده‌ها حکایت دارد.

منابع و مأخذ

۱. قرآن
۲. ابن الندیم، محمد بن اسحاق، الفهرست، ترجمه و تحقیق تجدد محمد رضا، بی تا، بی جا، بی نا.
۳. البلاذری، احمد بن یحیی بن جابر، جمل من انساب الاشراف، حقه و قدم له الاستاذ الدكتور سهیل زکار و دکتر ریاض زرکلی، بإشراف مکتب البحوث و الدراسات فی دارالفکر، للطباعه و النشر والتوزیع، ۱۴۱۷.
۴. البلاذری، احمد بن یحیی بن جابر، فتوح البلدان، نسخه الاستاذ الشنقیطی المحفوظه بدار الکتب المصریه، التعليق رضوان محمد رضوان، دارالکتب العلمیه، بیروت لبنان، ۱۴۱۲.
۵. حموی، یاقوت بن عبدالله، المعجم الادباء، دارالغرب الاسلامی، بیروت لبنان، ۱۹۹۳.
۶. دانشنامه جهان اسلام، زیر نظر حداد عادل غلامعلی، جلد ۳، بنیاد دائره المعارف بزرگ اسلامی، تهران، ۱۳۸۶.
۷. دائره المعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، جلد ۱۲، ناشر مرکز دائره المعارف بزرگ اسلامی، تهران ۱۳۸۳.
۸. الذهبی، شمس الدین محمد بن احمد بن عثمان، سیر اعلام النبلاء، موسسه الرساله، بیروت، ۱۴۱۳.
۹. رفعت، محسن و محمد کاظم رحمان ستایش، روایات عاشورایی انساب الاشراف بلاذری در میزان نقد و بررسی، حدیث پژوهی، شماره ۱۷، بهار و تابستان ۱۳۹۶.
۱۰. الصفدی، صلاح الدین خلیل بن ایبک، الوافی بالوفیات، تحقیق و اعتنا احمد الارناؤوط - ترکی مصطفی، انتشارات دار احیاء التراث العربی، بیروت لبنان، ۲۰۰۰.